

۱۵۲۸۴۷

فرهادی و سینمای پرشش

اسدالله غلامعلی

www.ketab.ir

سینما



شور

عنوان و نام پدیدآور: فرهادی و سینمای پرسش / اسدالله غلامعلی.

سرشناسه: غلامعلی، اسدالله،

مشخصات نشر: تهران: نشر وراه، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۱۹۰ ص.

شابک: ۹۷۸۶۰۰۹۸۲۳۱۹۲

وضعیت فهرست نویسی: غیبا

موضوع: فرهادی، اصغر، ۱۳۵۱ - -- نقد و تفسیر

موضوع: سینما -- ایران -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد

موضوع: Motion pictures -- Iran -- 20th century -- History and criticism

موضوع: سینما -- ایران -- جنبه‌های اجتماعی

موضوع: Motion pictures -- Social aspects -- Iran

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶/PN۱۹۹۸/۸۱۳۹۶/۳

رده بندی دیویی: ۷۹۱/۴۳۰۲۳۳۰۱۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۷۲۵۷۹

فرهادی سینمای پرسش

نویسنده: اسدالله غلامعلی

مدیر امور مبری: رضا درانی

صفحه آرایی: امیرحسین سولاق

ناشر: نشر وراه

امور چاپ: دقت

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸۶۰۰۹۸۲۳۱۹۲

دفتر انتشارات:

تهران، خیابان کارگر شمالی، نرسیده به بلوار کشاورز، بن بست گیتی، پلاک ۶

تلفن: ۶۶۹۰۱۳۴۳

varabookpub@gmail.com

حق چاپ محفوظ است



فهرست

۱۱	مقدمه
۱۵	فصل اول تکرار و توسعه‌ی عناصر
۱۷	شیاء و اشخاص
۶۵	قابل دوتایی
۹۷	فصل دوم تراژدی ایرانی
۹۹	درآمد
۱۱۰	تراژدی مدرن
۱۱۷	فرهادی، هگل و بهرمان حق
۱۳۴	فرهادی، ایسن و تنهاترین مردم
۱۴۷	فصل سوم فرهادی و طبقه متوسط
۱۶۱	فصل چهارم فرهادی، داستایوفسکی و باختین
۱۸۷	مؤخره
۱۸۹	منابع

مقدمه

مفاهیم و مسائلی که سینمای مغر فرهادی مطرح می‌کند، نه تنها جدی و عمیق‌اند و از کلیدی‌ترین مباحث فلسفی و فقهی‌های بشری محسوب می‌شوند، بلکه پرسش‌های بیشماری را نیز موجب می‌شوند، که پاسخ آنها می‌تواند برای هر مخاطب یکی و منحصر به فرد باشد؛ انسان به شرایط و موقعیت‌های مختلف چگونه رفتار می‌کنند؟ اخلاق در عصر حاضر چگونه تعریف و تبیین می‌شود؟ اخلاق قطعی و اسلامی چه جایگاهی در کشور در حال توسعه‌ای همچون ایران دارد؟ طبقات اجتماعی در ایران با چه چالش‌هایی روبه‌رو هستند؟ طبقات پایین، متوسط و بالای اجتماع چه نگاهی به مفاهیمی همچون انسانیت، عدالت، دین، جنسیت دارند؟

فیلمساز نام آشنا و برجسته سینمای ایران که به نگارش درام‌های خانوادگی، دادگاهی، معمایی، پیچیده و تا حدودی بدبینانه و تلخ شهرت دارد، به وسیله ابزار مدرنی به نام دوربین، به واکاوی انسان به ویژه انسان معاصر ایرانی می‌پردازد. انسانی که در راه خودشناسی، گمشده است.

سینمای فرهادی در عین حال که از لحاظ فرم سینمایی، از سینماگرانی

مانند کریستف کیشلوفسکی^۱، آلفرد هیچکاک^۲، و نهضت نئورئالیسم ایتالیا^۳ الهام گرفته است، در درام‌هایش نیز از نمایشنامه‌نویسان مدرنی همچون هنریک ایبسن^۴ متأثر است. فرهادی با طرح مسأله قضاوت، قصد ندارد که مخاطب را از قضاوت برحذر دارد، بلکه تلاش دارد که نشان دهد که گریزی از قضاوت نیست. ولی تصمیم‌گیری و قضاوت قاطعانه در جهان معاصر ایران تقریباً غیر ممکن است. هر کسی معیارهای خودش را دارد که این معیارها به جغرافیا، ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی و به طور کلی تجربه زیستی هر انسان بستگی دارد. مخاطب در تولید معنا و قضاوت نهایی آزاد است. در واقع فرهادی از مخاطبش یک تماشاگر فعال می‌سازد، نه منفعل. البته تماشای هر فیلمی، یک فعالیت روانی و فیزیولوژیکی را موجب می‌شود، اما در اینجا مقصود از فعالیت، اندیشیدن، تردید، تفکر واداشتن است. از آنجا که پرسش زائیده تفکر و تردید است می‌توان گفت، سینمای اصغر فرهادی، سینمای پرسش است، نه پاسخ! به عبارت دیگر فرمانش نمی‌خواهد جهان و انسان را از زاویه دید او ببینیم، بلکه تلاش دارد، پرسش‌هایش را با ما در میان بگذارد؛ پرسشی که قبل از همه، ما را با خودمان روبه‌رو می‌کند.

اگرچه دوربین فرهادی به سمت مردم ایران است، اما پرسش‌هایی که طرح می‌کند بنیادین و بدون مرز هستند، و باید اعتراف کرد که در راستین، پرسش‌ها و یا مسائلی را طرح می‌کند که به اصل وجودی انسان مربوط است و همه انسان‌ها می‌توانند با آن ارتباط بگیرند. چنین هنری را غبار زمانه بر نمی‌گیرد و هرگز نمی‌میرد.

بی‌پاسخی در فیلم‌های فرهادی، سینمای او را به سینما و هنر مدرن نزدیک می‌کند! دلیل این بی‌پاسخی از یک طرف به خاطر سبک فرهادی است تا تماشاگر را در جریان تولید معنای فیلم، شریک کند و از طرف دیگر، باید

1. Krzysztof Kiesłowski

2. Alfred Hitchcock

3. Italian Neorealism

4. Henrik Ibsen

اعتراف کرد، انسان مدرن که با شک و تردید از انسان کلاسیک و باستان فاصله گرفت تا به کمک اندیشه خویش، پاسخ پرسش‌هایش را بیابد، اگر چه هرگز پاسخی قاطعانه نیافت. در حقیقت از مدرنیته به این سو، نمی‌توان با قاطعیت به هر پرسشی پاسخ داد. درواقع، جهان، جهان پرسش‌هاست نه پاسخ‌ها. فرهادی دوربین پرسشگرش را در بطن جامعه و در درون شخصیت‌هایش قرار می‌دهد؛ دوربینی که به همه چیز شک دارد؛ همچون انسان دکارتی که به همه چیز شک می‌کند. جز تردید خویش!

کتاب حاضر در روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده است، همچون سینمای فرهادی به دنبال پاسخ نیست، چرا که در جهان معاصر پاسخ‌ها نیستند که نجات‌بخش‌اند. این پرسش‌هاست که انسانی را به بازاندیشی در خویش سوق می‌دهد؛ هر بختی از این کتاب حاوی تأویلی از سینمای اصغر فرهادی است؛ ۱ - تکرار و توسعه‌ی عناصر، ۲ - تراژدی ایرانی ۳ - فرهادی و طبقه متوسط ۴ - فرهادی، داستایوفسکی^۱

در فصل نخست، به اشیاء، رست‌ها، اشخاص و عناصری پرداخته‌ایم که در آثار فرهادی نه تنها تکرار می‌شوند، بلکه توسعه می‌یابند. به نظر می‌رسد سینمای سینماگر ما یکپارچه و به صورت یک مجموعه است. عناصری که در نخستین فیلمش تولد می‌یابند، در فیلم‌های دیگر نیز وجود دارند (البته در شکل و موقعیتی دیگر) و تکامل و توسعه می‌یابند؛ بنابراین برای سنان تفکر و اندیشه فرهادی، نه تنها تماشای فیلم‌های وی، بلکه مشاهده و تحلیل تاریخی و تحولی آنها لازم است. فصل دوم، شامل چهار بخش است؛ ۱. درآمد، ۲. تراژدی مدرن، ۳. فرهادی، هگل و قهرمان محق، ۴. فرهادی، ایسن و تنهاترین مردم. در این فصل نگاهی اجمالی به مفهوم و اندیشه موجود در تراژدی باستان و مدرن داشته، و در این راستا، به دیدگاه فیلسوفان متعددی پرداخته‌ایم. از طرف دیگر تراژدی مدرن و نظریه هگل در باب تراژدی، و ردپای قهرمان محق

1. Fyodor Dostoyevsky

2. Category Georg Wilhelm Friedrich Hegel

را در فیلم‌های اصغر فرهادی جستجو کرده‌ایم. علاوه بر این، درباره‌الی در یک بررسی تطبیقی با نمایشنامه دشمن مردم نوشته هنریک ایبسن که از پیشگامان تراژدی مدرن است، مورد بررسی قرار گرفته است. سینمای فرهادی، نه تنها به تراژدی مدرن نزدیک است، بلکه روایتگر انسان معاصر ایرانی است.

توجه فرهادی به طبقات اجتماعی، رفتار و سبک زندگی آنها، و تعامل‌شان با مردم دیگر طبقات، قابل تأمل است. در فصل سوم، به معنا، هویت و جایگاه طبقه وسط شهری، که از فیلم چهارشنبه‌سوری وارد سینمای فرهادی می‌شود، پرداخته‌ایم؛ ماقه‌ای که جایگاه خاص و ماهیتی مبهم، دارد. سینمای فرهادی به ویژه آخرین فیلم‌س یعنی فروشنده، بر مفاهیمی همچون روشنفکری، آزادی، نبرد و ستیز «من» با «من» تأکید دارد که به نظر می‌رسد با اندیشه‌های فئودور داستایوفسکی در آثارش همخوانی داشته باشد؛ فصل چهارم، به تحلیل دیدگاه این دو هنرمند - متفکر پرداخته‌ایم. بدون تردید این اثر پژوهشی کاستی و نواقصی دارد امیدوارم خوانندگان عزیز حتماً این کتاب با نقد و تحلیل‌های خود نگارنده را راهنمایی بفرمایند.

اسدالله غلامعلی

۱۳۹۶